



روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

شامل: قوانین - مذاکرات مجلس شورای اسلامی - رویه‌های قضائی - عهدنامه‌ها - آئیننامه‌ها

WWW.RRK.IR

WWW.DASTOUR.IR

تصویب‌نامه‌ها - تصمیم‌نامه‌ها - اساسنامه‌ها و آگهیها

تک شماره ۱۵۰۰ تومان

صفحه	دستگاه اجراءکننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۱	وزارت آموزش و پرورش	۱۳۹۸/۲/۱۷	رای شماره ۱۸۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال قسمتی از بند «ج» دستورالعمل نحوه اقدام و تعیین تکلیف اراضی و فضاهای آموزشی و پرورشی وزارت آموزش و پرورش به شماره ۱۰۰/۱۸۰/۱۷۹ - ۱۳۷۴/۸/۲۰
۴	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	۱۳۹۸/۲/۱۷	رای شماره ۱۸۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال ماده ۱۲۸ آیین‌نامه اداری و استخدامی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی وابسته و بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۲۴۴ - ۱۳۹۱/۸/۲۹ وزیر وقت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
۶	شورای اسلامی شهر اسدآباد	۱۳۹۸/۲/۱۷	رای شماره ۱۸۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال تعرفه کد شماره ۰۰۲۹ عوارض محلی سال ۱۳۹۲ شورای اسلامی شهر اسدآباد
۷	شورای اسلامی شهر اسلامشهر	۱۳۹۸/۲/۱۷	رای شماره ۱۹۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال ردیف ۱۵ کد ۱۲۰۶ - ۰۱۰۲۰۰۶ دفترچه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۷ شورای اسلامی شهر اسلامشهر

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۲/۱۷ شماره دادنامه: ۱۸۴ شماره پرونده: ۱۶۴۸/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: سازمان بازرسی کل کشور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند «ج» «دستورالعمل نحوه اقدام و تعیین

تکلیف اراضی و فضاهای آموزشی و پرورشی» وزارت آموزش و پرورش به شماره

۱۳۷۴/۸/۲۰ - ۱۰۰/۱۸۰/۱۷۹

گردش کار: سرپرست معاونت حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل

کشور به موجب شکایت نامه شماره ۷۲۳۸۳ - ۱۳۹۷/۴/۵ اعلام کرده است که:

«حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای بهرامی

رییس محترم دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً به استحضار می‌رساند؛ پس از وصول شکوائیه‌ای دایر بر اخذ وجه از سوی

اداره کل آموزش و پرورش استان‌های کرمان و فارس به دلیل موافقت با تغییر کاربری

آموزشی املاک، «دستورالعمل نحوه اقدام و تعیین تکلیف اراضی آموزشی و پرورشی

وزارت آموزش و پرورش» به شماره ۱۰۰/۱۸۰/۱۷۹ - ۱۳۷۴/۸/۲۰ در «کمیسیون

قوانین و مقررات عمومی

۱۳۹۸/۲/۳۰

شماره ۹۷۰۱۶۴۸

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه

۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۱۸۴ مورخ ۱۳۹۸/۲/۱۷ با موضوع: «ابطال قسمتی از بند «ج»

دستورالعمل نحوه اقدام و تعیین تکلیف اراضی و فضاهای آموزشی و پرورشی وزارت

آموزش و پرورش به شماره ۱۰۰/۱۸۰/۱۷۹ - ۱۳۷۴/۸/۲۰ جهت درج در روزنامه

رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

مذکور به صورت رایگان، موافقت با تغییر کاربری اراضی انجام نخواهد شد. این نکات مطرح است:

* در قسمت ۱-۲ بند «ج» دستورالعمل آمده است: «در صورتی که زمین باقی مانده جهت احداث واحد آموزشی قابل استفاده نباشد در صورت مصلحت می توان با مالکین به طریق زیر توافق نمود: واگذاری رسمی قسمتی از آن زمین به طور رایگان به آموزش و پرورش در قبال موافقت با تغییر کاربری مابقی ملک به شرط قابلیت تفکیک.» که مشاهده می گردد شرط توافق در لزوم واگذاری رسمی و رایگان قسمتی از اراضی مذکور است. در ادامه مطلب فوق آمده است: «در صورتی که زمین توافق شده قابل تفکیک نبوده و یا مالک و یا مالکین تمایل به تغییر کاربری کل زمین باقی مانده را داشته باشند، اهداء بهای عادلانه زمین مورد توافق شده به آموزش و پرورش ...» که مشاهده می گردد، موافقت با تغییر کاربری نیز در این خصوص نیز به شرط اهداء بهای عادلانه زمین مورد توافق می باشد. (لازم به ذکر است واژه توافق در اینجا نیز منظور آن میزان زمین است)

* در قسمت ۳ بند «ج» دستورالعمل آمده است: «... در صورت عدم نیاز می توان با مالک و یا مالکین توافق نمود در قبال با تغییر کاربری بخشی از بهای عادلانه عرصه و اعیان را که در هر حال نمی تواند از یک چهارم کمتر باشد به آموزش و پرورش اهداء نماید» که مشاهده می گردد جهت موافقت با تغییر کاربری باید حداقل یک چهارم بهای عرصه و اعیان به آموزش و پرورش داده شود.

در بررسی دستورالعمل مذکور مشاهده می گردد، در صورت عدم نیاز و یا عدم توانایی خرید اراضی مذکور توسط آموزش و پرورش و یا مناسب نبودن ابعاد زمین، دریافت قسمتی از اراضی و یا بهای عادلانه آن در قبال موافقت با تغییر کاربری اراضی مذکور لازم است و در صورت عدم اهداء رایگان بخشی از اراضی مذکور و یا بهای عادلانه آن، امکان تغییر کاربری نیست و مطابق قسمت ۷ بند «ج» دستورالعمل، در صورت عدم توافق به دلیل عسر و حرج مالکان، تصمیم با تغییر کاربری با کمیته مرکزی است. این در حالی است که برابر ماده ۱۹۰ قانون مدنی توافقی نافذ است که ناشی از اراده آزاد (اصل حاکمیت اراده) باشد، اما در این موضوع خاص اداره آموزش و پرورش به هیچ وجه حق اخذ وجه یا زمین در قبال اعلام عدم نیاز بر روی اراضی با کاربری آموزشی نیست و به همین جهت مالک یا مالکین به اجبار تن به توافق داده تا مشکل خود را مرتفع نمایند.

۲- قوانین پیرامون نحوه تملک و تغییر کاربری اراضی با کاربری آموزشی

در ماده (۲) قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران وظایفی برای شورای عالی شهرسازی و معماری ایران تعیین شده است، از جمله بررسی و تصویب نهایی طرح های جامع شهری و تغییرات آنها خارج از نقشه های تفصیلی و در ماده (۵) قانون مذکور، بررسی و تصویب طرح های تفصیلی شهری و تغییرات آنها بر عهده کمیسیون مقرر در همین ماده می باشد. تعیین و تغییر کاربری ها امری است تخصصی و کارشناسی که توسط کمیسیون تخصصی ماده (۵) تعیین شده و کاربری های پیش بینی شده بر اساس توسعه و نیاز مناطق شهری و روستایی است. در جلسه مورخ ۱۳۷۱/۱/۳۱ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، این شورا برای تغییر کاربری های آموزشی مربوط به وزارت آموزش و پرورش تصویب کرده است: «تغییر کاربری های آموزشی مجاز نیست، مگر با رعایت جمیع ۳ شرط:

۱- تغییر کاربری با درخواست وزیر یا نمایندگان معرفی شده از سوی وی می باشد.

۲- دلایل فنی و اجرایی غیر قابل استفاده بودن محل به تأیید کمیسیون ماده ۵ قانون شورای عالی شهرسازی و معماری ایران برسد.

۳- محل جدیدی با مساحت معادل و موقعیت قابل قبول و عدم مغایرت اساسی با طرح جامع که هم مشکل فنی و اجرایی نداشته و هم دارای امکان تملک باشد معرفی شده و به تأیید کمیسیون ماده (۵) و یا مراجع تصویب طرح هادی برسد.» بنا به مراتب:

اولاً - تصمیم تغییر کاربری با کمیسیون ماده (۵) قانون شورای عالی شهرسازی و معماری است و موافقت آموزش و پرورش شرط کافی نیست.

ثانیاً - مطابق اصل (۲۲) و (۴۷) قانون اساسی و مواد (۳۰) و (۳۱) قانون مدنی، هیچ کس نمی تواند حقوق مالکانه اشخاص را بگیرد، مگر به حکم قانون و همچنین با توجه به ماده (۴) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، دریافت هر گونه وجه، کالا و یا خدمات تحت هر عنوان از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط وزارتخانه، مؤسسات و شرکت های دولتی باید به موجب قانون باشد. بررسی ها نشان می دهد تمهیدات مقرر در بند «ج» دستورالعمل مبنی بر تملک رایگان بخش از اراضی مذکور و یا دریافت بهای عادلانه آن، مغایر با قوانین مذکور است.

تطبيق مصوبات دستگاه های اداری» این سازمان با قوانین انطباق داده شد که توجه جناب عالی را به نتایج بررسی ها به شرح زیر معطوف می دارد:

۱- بررسی دستورالعمل نحوه اقدام و تعیین تکلیف اراضی آموزشی و پرورشی وزارت آموزش و پرورش:

در بند «ب» دستورالعمل، وضعیت موجود اراضی و املاک واجد شرایط کاربری آموزشی به پنج گروه تقسیم بندی شده است و شامل: ۱- فضاهای آموزشی فاقد هر گونه اعیان. ۲- فضاهای آموزشی به صورت اراضی مشجر اعم از شمر و غیر شمر. ۳- فضاهای آموزشی که در قسمتی از آن ها بنای غیر آموزشی احداث شده و بخش دیگر آن به صورت زمین باقیمانده است. ۴- فضاهای آموزشی که کلاً ساخته شده و دارای اعیان غیر آموزشی می باشند. ۵- اراضی که توسط ادارات آموزش و پرورش تصرف و در آنها احداث بنا شده، می باشد. مطابق با بند «ج» دستورالعمل بر اساس وضعیت موجود اراضی، نحوه تعیین تکلیف آن ها به شرح ذیل می باشد:

۱) ملک اراضی بایر و دایر مزروعی و مشجر با توجه به نیاز ادارات آموزش و پرورش با در نظر گرفتن اولویت ها از طریق تبصره (۸۴) قانون برنامه دوم توسعه و آیین نامه اجرایی آن توسط سازمان زمین و مسکن صورت می گیرد. همچنین آموزش و پرورش می تواند با توافق با مالک و یا مالکین در مورد خاص به طوری که سهم آموزش و پرورش از مساحت زمین بیش از ۵۰ درصد باشد، به صورت رایگان و بلاعوض رسماً توسط مالک یا مالکین به آموزش و پرورش انتقال داده شود (مطابق بند ج - ۱ دستورالعمل).

۲) اراضی با کاربری آموزشی که در بخشی از آن ها بنای غیر آموزشی احداث شده و بخش دیگر آن به صورت زمین باقیمانده و برابر حداقل استانداردهای آموزشی، مستعد احداث بنا باشد؛ مطابق بند یک (بند ج - ۱ دستورالعمل) اقدام خواهد شد و در صورتی که اراضی باقیمانده قابلیت احداث فضای آموزشی را نداشته باشد، آموزش و پرورش به روش زیر اقدام می نماید: واگذاری قسمتی از زمین توسط مالک یا مالکین به طور رایگان به آموزش و پرورش در قبال موافقت با تغییر کاربری مابقی ملک و یا اهداء بهای عادلانه زمین مورد توافق، به آموزش و پرورش (بند ج - ۲ دستورالعمل).

۳) اراضی آموزشی که کلاً اشغال شده اند و در آن ها بنای غیر آموزشی احداث شده است، در صورت نیاز آموزش و پرورش مطابق لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی نسبت به خرید و تملک آن اقدام می شود و در صورت عدم نیاز، آموزش و پرورش می تواند با توافق با مالک و یا مالکین، بخشی از بهای عادلانه عرصه و اعیان را که در هر حال نمی تواند از یک چهارم کمتر باشد در قبال موافقت با تغییر کاربری، دریافت نماید (بند ج - ۳ دستورالعمل).

۴) آن دسته از اراضی که متعلق به غیر بوده و در تصرف آموزش و پرورش می باشند، در اولویت تملک هستند (بند ج - ۴ دستورالعمل).

۵) در موارد استثنایی که مالک یا مالکین به دلیل عدم تمکن مالی قادر به توافق با آموزش و پرورش نباشند پس از بررسی کمیته استانی برای تعیین تکلیف به کمیته مرکزی ارسال گردد (بند ج - ۷ دستورالعمل).

۶) در مورد اراضی واقع در محدوده روستا با جلب نظر و همکاری شورای اسلامی روستا اقدام می شود (بند ج - ۸ دستورالعمل).

۷) کلیه هدایای نقدی و وجوه حاصله از اجرای دستورالعمل به حساب های کمک های مردمی اداره کل آموزش و پرورش استان ها و ریز می گردد (مطابق بند ج - ۹ دستورالعمل).

نکته: در بررسی بند «ج» دستورالعمل مشاهده می گردد، در صورت نیاز به اراضی، آموزش و پرورش طبق تبصره ذیل ماده (۸۴) قانون دوم توسعه و یا لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی، اقدام به خرید و تملک اراضی می نماید، علی هذا در این خصوص نیز به آموزش و پرورش اجازه توافق با مالکین جهت اهداء رایگان اراضی مذکور به آموزش و پرورش، داده شده است. در خصوص اراضی که مطابق استانداردهای مربوط قابلیت احداث فضای آموزشی را نداشته و یا ادارات کل آموزش و پرورش نیاز به آنها نداشته باشند؛ آموزش و پرورش، اقدام به تملک رایگان بخشی از عرصه و اعیان اراضی مذکور و یا دریافت بهای عادلانه زمین مورد توافق و یا اهداء زمین در محل نیاز آموزش و پرورش به ارزش بهای عادلانه زمین مورد توافق توسط مالکین، در قبال موافقت با تغییر کاربری زمین باقی مانده یا اراضی مذکور، می نماید.

هر چند در بند «ج» دستورالعمل از کلمه توافق استفاده شده است، لکن توافق در خصوص میزان اراضی یا بهای عادلانه ای است که جهت موافقت با تغییر کاربری، با مالک انجام می شود، و در صورت عدم توافق در خصوص اهداء وجه یا بخشی از اراضی

سهم آموزش و پرورش از مساحت زمین بیش از ۵۰٪ باشد و به صورت رایگان و بلاعوض رسماً توسط مالک یا مالکین به آموزش و پرورش منتقل شود، نخواهد بود.

۲- از اراضی با کاربری آموزشی که در بخشی از آنها بنای غیرآموزشی احداث شده و بخش دیگر آن به صورت زمین باقیمانده و برابر حداقل استانداردهای متداول آموزشی مستعد برای احداث فضای آموزشی باشد می‌تواند وفق بند ۱ اقدام نمایند.

۱- ۲- در صورتی که زمین باقیمانده جهت احداث واحد آموزشی قابل استفاده نباشد، در صورت مصلحت می‌توان با مالکین مربوط به طرق زیر توافق نمود. واگذاری رسمی قسمتی از زمین به طور رایگان به آموزش و پرورش در قبال موافقت با تغییر کاربری مابقی ملک به شرط قابلیت تفکیک بر اساس ضوابط مربوطه.

- در صورتی که زمین توافق شده قابل تفکیک نبوده و یا مالک یا مالکین تمایل به تغییر کاربری کل زمین باقی مانده را داشته باشند اهدای بهای عادلانه زمین مورد توافق شده به آموزش و پرورش و یا تأمین معوض برابر بهای عادلانه زمین مورد توافق و انتقال قطعی و رسمی آن به آموزش و پرورش.

۳- در خصوص فضاهای آموزشی که کلاً اشغال و در آنها بنای غیرآموزشی احداث گردیده، چنانچه آموزش و پرورش به این گونه املاک نیاز مبرم داشته باشد برابر قانون نحوه خرید و تملک اراضی ... مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب نسبت به خرید و تملک آنها اقدام خواهند نمود و در صورت عدم نیاز می‌توان با مالک یا مالکین توافق نمود که در قبال موافقت با تغییر کاربری بخشی از بهای عادلانه عرصه و اعیان را که در هر حال نمی‌تواند از ۱/۴ کمتر باشد به آموزش و پرورش اهداء نماید و یا معادل وجه وفق زمینی در محل مورد نیاز آموزش و پرورش تهیه و به صورت رایگان رسماً به آموزش و پرورش انتقال دهند.

۴- آن دسته از اراضی که متعلق به غیر بوده و توسط آموزش و پرورش به نحوی تصرف گردیده ضرورتاً باید در اولویت تملک و خرید قرار داده شود. در این مورد با عنایت به نیت خیرخواهانه مالک یا مالکین و تجربیات موفق سالهای اخیر در واگذاری رایگان زمین به آموزش و پرورش، در درجه اول با جلب همکاری مالک یا مالکین ترتیبی اتخاذ گردد که اراضی منصرفی به رایگان به آموزش و پرورش صلح شود و در صورت نیاز مالک به بخشی از بهای اینگونه اراضی طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری و توافق با مالک قیمت توافق شده از محل کمکهای اهدایی موضوع اجرای این دستورالعمل و یا اعتبارات دولتی با هماهنگی مراجع ذیربط تأمین و پرداخت گردد.

۵- در استثنایی که شورای آموزش و پرورش طبق قانون مربوط تشکیل شده باشد کمیته استانی موظف است وضعیت کلیه املاک و اراضی واجد کاربری آموزشی را با توجه به موارد مذکور در این دستورالعمل مشخص و پیشنهاد لازم در مورد خرید و تملک یا توافق با مالک و مالکان را به شورا ارائه و نهایت همکاری را با شورا معمول دارد.

۶- خرید و تعیین تکلیف املاک مشمول این دستورالعمل که در مالکیت خانواده معظم ایثارگران است از اولویت خاص برخوردار خواهد بود.

۷- موارد استثنایی که مالک یا مالکین به دلیل عسر و حرج و عدم تمکن مالی قادر به توافق با آموزش و پرورش نیستند پس از بررسی کمیته استانی با ذکر دلایل موجه و تأیید مدیر کل جهت اتخاذ تصمیم به کمیته مرکزی ارسال گردد.

۸- در مورد اراضی مورد نیاز آموزش و پرورش واقع در محدوده روستاها طبق روال گذشته و با جلب نظر و همکاری شورای اسلامی روستا اقدام شود.

۹- کلیه هدایای نقدی و وجوه حاصله از اجرای این دستورالعمل در حساب کمکهای مردمی ادارات کل آموزش و پرورش استانها متمرکز و منحصراً جهت خرید، تکمیل و توسعه اماکن آموزشی و پرورشی در محل‌های مورد نیاز همان استان بر طبق تشخیص کمیته استانی به مصرف خواهد رسید.

علی رغم ارسال نسخه ثانی شکایت و ضامنه آن برای طرف شکایت تا زمان رسیدگی به پرونده در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری هیچ پاسخی از طرف شکایت واصل نشده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۱۷ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

ثالثاً - مطابق ماده (۱) لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی هرگاه وزارتخانه‌ها (دستگاه‌های اجرایی) برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی خود چنانچه به اراضی، ابنیه، مستحقات، تأسیسات اشخاص حقیقی و حقوقی نیاز داشته باشد، قبلاً اعتبار آن به وسیله دستگاه اجرایی تأمین شده باشد می‌تواند خریداری یا تملک نماید. بنابراین چنانچه دستگاه اجرایی به اراضی و املاک اشخاص اعم از حقیقی و یا حقوقی نیاز داشته باشد، قبلاً اعتبار آن تأمین شده باشد و ضرورت اجرای طرح به تأیید و تصویب وزیر یا بالاترین مقام رسیده باشد، در این صورت امکان خریداری و تملک اراضی و املاک موصوف با پرداخت بهای عادلانه اراضی و املاک از طریق توافق میان دستگاه اجرایی و مالک امکان‌پذیر می‌باشد.

رابعاً - در تبصره (۲) ماده (۳) لایحه قانونی نحوه خرید و تملک، در صورت حصول توافق دستگاه اجرایی موظف است ظرف سه ماه نسبت به خرید ملک و پرداخت حقوق یا خسارت اقدام یا آن‌که انصراف خود را از خرید و تملک کتباً به مالک یا مالکین اعلام نماید. در نتیجه متعاقب آن ماده واحده قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرح‌های دولتی و شهرداری‌ها در تاریخ ۱۳۶۷/۰۸/۲۹ و قانون اصلاح تبصره (۱) قانون مذکور در تاریخ ۱۳۸۰/۱/۲۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. به موجب این قانون مهلت ۳ ماهه لایحه قانونی نحوه خرید و تملک به ۱۸ ماه افزایش داده شد، یعنی پس از اعلام رسمی وجود طرح، دستگاه اجرایی مکلف بوده، حداکثر ظرف مدت ۱۸ ماه نسبت به انجام معامله قطعی و انتقال اسناد رسمی و پرداخت بها یا عوض اراضی و املاک اشخاص اقدام نماید. به علاوه چنانچه اجرای طرح و تملک املاک اشخاص به موجب برنامه زمان‌بندی مصوب به حداقل پنج سال بعد موکول شده باشد، مالکین املاک واقع در طرح از کلیه حقوق مالکانه مانند احداث، تجدید بنا، افزایش بنا، تعمیر، فروش، اجاره و غیره برخوردار می‌باشند، ولی در صورتی که اجرای طرح کمتر از پنج سال باشد مالک هنگام اخذ پروانه تعهد می‌نماید هرگاه زمان اجرای طرح قبل از پنج سال شروع شود حق مطالبه هزینه احداث و تجدید بنا را ندارد.

بنابراین (از آن جا که وزارت آموزش و پرورش در تعیین کاربری‌های آموزشی نقشی نداشته و کاربری‌ها توسط کمیسیون ماده (۵) قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، بر اساس ضوابط تعیین می‌شود و منابع مالی مورد نیاز جهت تملک اراضی مورد نظر نیز پیش‌بینی نشده است) ابطال بند «ج» دستورالعمل مذکور (که در آن تملک رایگان و یا اخذ بهای عادلانه بخش زمین مورد توافق با مالکین، را تجویز نموده) به دلیل مغایرت با لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و ماده واحده قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرح‌های دولتی و شهرداری‌ها، اصل (۲۲) و (۴۷) قانون اساسی، مواد (۳۰) و (۳۱) قانون مدنی و ماده (۴) قانون تنظیم بخش از مقررات مالی دولت، درخواست می‌شود. مزید امتنان است از نتیجه اقدام و تصمیم متخذه این سازمان را مطلع شود.»

متن دستورالعمل در قسمتهای مورد اعتراض به قرار زیر است:

«برادر ارجمند جناب آقای

مدیرکل محترم آموزش و پرورش استان

سلام علیکم

احتراماً دستورالعمل نحوه اقدام و تعیین تکلیف اراضی و فضاهای آموزشی و پرورشی به پیوست ارسال میگردد. خواهشمند است نسبت به تشکیل کمیته استانی پیش‌بینی شده در دستورالعمل و انجام اقدامات لازم در خصوص تأمین فضاهای آموزشی با رعایت صرفه و صلاح آموزش و پرورش و در نظر داشتن نیازهای آن استان اهتمام ورزیده و در حسن اجرای مفاد دستورالعمل نظارت کامل و مستقیم معمول فرمایید. - وزیر آموزش و پرورش

دستورالعمل نحوه اقدام و تعیین تکلیف اراضی و فضاهای آموزشی

.....

ج - نحوه تعیین تکلیف فضاهای آموزشی:

۱- تملک اراضی بایر و دایر مزروعی و مشجر با توجه به نیاز ادارات آموزش و پرورش و با در نظر گرفتن اولویتها از طریق اعمال تبصره ۸۴ قانون برنامه دوم توسعه و آیین‌نامه اجرایی آن توسط سازمان زمین و مسکن صورت می‌گیرد. بدیهی است اقدام به نحو فوق مانع از توافق آموزش و پرورش با مالک یا مالکین در موارد خاص به طوری که

رأی هیأت عمومی

به موجب بند ۳ ماده ۱ قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی و تعیین وظایف آن مصوب سال ۱۳۵۳ طرح تفصیلی عبارت از طراحی است که بر اساس معیارها و ضوابط کلی طرح جامع شهر، نحوه استفاده از زمینهای شهری در سطح محلات مختلف شهر و موقعیت و مساحت دقیق زمین برای هر یک از آنها تهیه و تنظیم می‌شود و همچنین مطابق ماده ۵ اصلاحی قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوب سال ۱۳۸۸ بررسی و تصویب طرحهای تفصیلی شهری و تغییرات آنها در هر استان به وسیله کمیسیونی به ریاست استاندار و با عضویت شهردار و نمایندگان وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت جهاد کشاورزی و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی و رئیس شورای اسلامی شهر ذی ربط و نماینده سازمان نظام مهندسی استان صورت می‌گیرد. نظر به اینکه تغییر کاربری آموزشی برای آموزش و پرورش ایجاد تکلیف می‌کند و حقی برای دستگاه مجری برای تغییر ایجاد نمی‌کند تا در قبال آن منتفع شود و مرجع انحصاری تغییر کاربری در محلات مختلف شهری کمیسیون مقرر در ماده ۵ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری است، بنابراین بند ج دستورالعمل مورد شکایت در قسمتهایی که ناظر به تملک رایگان یا دریافت بهای ملک یا معوض در قبال موافقت آموزش و پرورش با تغییر کاربری آموزشی می‌باشد، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات مرجع تصویب تشخیص شد و با استناد به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

شماره ۹۷۰۰۳۸۶

۱۳۹۸/۲/۳۰

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۱۸۵ مورخ ۱۳۹۸/۲/۱۷ با موضوع: «ابطال ماده ۱۲۸ آیین‌نامه اداری و استخدامی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی وابسته و بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۲۴۴ - ۱۳۹۱/۸/۲۹ وزیر وقت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۲/۱۷ شماره دادنامه: ۱۸۵ شماره پرونده: ۳۸۶/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: سازمان بازرسی کل کشور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال قسمتی از ماده ۱۲۸ آیین‌نامه اداری و استخدامی

اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی وابسته و بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۲۴۴ - ۱۳۹۱/۸/۲۹ وزیر وقت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

گردش کار: سرپرست معاونت حقوقی و نظارت همگانی سازمان بازرسی کل کشور به موجب شکایت نامه شماره ۲۸۵۱۱۳ - ۱۳۹۶/۱۲/۲۱ اعلام کرده است که:

«حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای بهرامی

رئیس محترم دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً به استحضار می‌رساند موضوع نحوه اجرای نامه شماره ۱۰۰/۱۲۴۴ -

۱۳۹۱/۸/۲۹ وزیر وقت بهداشت و درمان در رابطه با برقراری فوق‌العاده جذب و مخصوص برای اعضای هیأت علمی در حال مأموریت آموزشی و فرصت مطالعاتی در این سازمان مورد بررسی قرار گرفت.

۱- در نامه شماره ۱۰۰/۱۲۴۴ - ۱۳۹۱/۸/۲۹ وزیر وقت بهداشت،

درمان و آموزش پزشکی به دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور آمده است که

در پاسخ به‌سوالات و ابهامات دانشگاه‌ها در ارتباط با پرداخت ضرایب یک و دو دهم فوق‌العاده جذب و فوق‌العاده مخصوص اعضای هیأت علمی تمام وقت جغرافیایی موضوع تبصره ماده ۵۰ آیین‌نامه اداری استخدامی اعضای هیأت علمی در مدت زمانی که به مأموریت آموزشی و بورس و فرصت مطالعاتی عزیمت می‌نمایند مراتب در کمیته ماده ۱۲۸ آیین‌نامه پیش گفت مطرح و اتخاذ تصمیم گردیده و در نهایت موافقت شده به منظور جلوگیری از ایجاد خلل در اجرای ماده ۷۲ آیین‌نامه اداری و استخدامی کماکان نسبت به پرداخت فوق‌العاده‌های جذب و مخصوص اعضای هیأت علمی با ضریب ۱/۲ در دوران استفاده از مأموریت آموزشی و فرصت مطالعاتی و بورسیه اقدام گردد.

۲- به موجب ماده ۵۰ آیین‌نامه اداری و استخدامی اعضای هیأت علمی: «فوق‌العاده جذب همواره بر اساس درصدی از حقوق مبنای اعضای هیأت علمی تعیین می‌گردد و در حال حاضر ضرایب مصوب پیوست مورد اجرا می‌باشد. تغییر و اصلاح آن با پیشنهاد مشترک معاونت توسعه مدیریت و منابع و معاونت آموزشی وزارتخانه و تصویب هیأت امانه امکان‌پذیر می‌باشد.

تبصره - میزان ضرایب فوق‌العاده جذب و فوق‌العاده مخصوص برای اعضای هیأت علمی تمام وقت جغرافیایی یک و دو دهم برابر ضرایب مصوب می‌باشد. اعمال این ضرایب در دوران استفاده از مأموریت آموزشی، بورسیه و فرصت مطالعاتی مقدور نمی‌باشد.»

۳- ماده ۱۲۸ آیین‌نامه مذکور (که بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۲۴۴ - ۱۳۹۱/۸/۲۹ وزیر وقت بهداشت و درمان مستند به آن صادر شده است) اشعار می‌دارد: «مسئولیت پاسخگویی به ابهامات و تفاسیر و سوالات مطروحه در خصوص مفاد این آیین‌نامه از سوی مؤسسه به عهده ۳ تا ۵ نفر منتخب از سوی وزیر خواهد بود، این کمیته زیرمجموعه مستقیم وزیر بوده و مجموعه مصوبات و تصمیمات کمیته به منزله مصوبه هیأت امانه تلقی می‌گردد.»

۴- مطابق ماده ۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور دانشگاه‌ها دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بدون رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی در چهارچوب مصوبات و آیین‌نامه‌های مالی، معاملات، اداری، استخدامی و تشکیلاتی مصوب هیأت امانه که به تأیید وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌رسد، عمل می‌نمایند.

بنا به مراتب اولاً: آن قسمت از ماده ۱۲۸ آیین‌نامه اداری و استخدامی اعضای هیأت علمی که مصوبات کمیته مسئول پاسخگویی به ابهامات و تفاسیر و سوالات مربوط به آیین‌نامه را در حکم مصوبه هیأت امانه قرار داده است، به دلیل آن که وظایف و اختیارات هیأت امانه قائم به شخص بوده و قابل واگذاری به غیر نمی‌باشد، فاقد وجهت قانونی است. ثانیاً: بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۲۴۴ - ۱۳۹۱/۸/۲۹ وزیر وقت بهداشت و درمان در خصوص پرداخت فوق‌العاده جذب و مخصوص به اعضای هیأت علمی در زمان مأموریت آموزشی و فرصت مطالعاتی بر مبنای تصمیم کمیته ماده ۱۲۸ آیین‌نامه پیش گفته فاقد مبنای قانونی است. چرا که مبنای آن تصمیم کمیته مذکور در ماده ۱۲۸ آیین‌نامه می‌باشد و وظیفه کمیته مذکور صرفاً مسئولیت پاسخگویی به ابهامات و تفاسیر مطروحه در خصوص آیین‌نامه مذکور بوده و اتخاذ تصمیم در پرداخت فوق‌العاده‌های جذب و مخصوص به اعضای هیأت علمی در زمان مأموریت آموزشی و فرصت مطالعاتی (که وضع قانون و مقرر می‌باشد) خارج از وظایف کمیته مذکور به شمار می‌رود، از طرف دیگر در ماده ۵۰ آیین‌نامه یادشده بر ممنوعیت پرداخت فوق‌العاده‌های جذب و مخصوص به‌اعضای هیأت علمی در زمان مأموریت آموزشی و فرصت مطالعاتی تأکید شده است.

از این رو خواهشمند است دستور فرمایید مغایرت ماده ۱۲۸ آیین‌نامه اداری و استخدامی اعضای هیأت علمی با قوانین موضوعه و بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۲۴۴ - ۱۳۹۱/۸/۲۹ وزیر وقت بهداشت و درمان به دلیل خروج از اختیارات واضح در هیأت عمومی دیوان (خارج از نوبت) مطرح و نسبت به ابطال آنها تصمیم لازم اتخاذ گردد. مزید امتنان است از نتیجه اقدام و تصمیم متخذه این سازمان را مطلع نمایند.»

متن مقررهای مورد اعتراض به قرار زیر است:

الف) بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۲۴۴ - ۱۳۹۱/۸/۲۹ وزیر وقت بهداشت، درمان

و آموزش پزشکی:

«رئیس/سرپرست محترم دانشگاه/دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ... با سلام و تحیت

در پاسخ به سؤالات و ابهامات دانشگاهها در ارتباط با پرداخت ضرایب یک و دو دهم فوق العاده جذب و فوق العاده مخصوص اعضای هیأت علمی تمام وقت جغرافیایی (موضوع تبصره ماده ۵۰ آیین نامه اداری و استخدامی اعضای هیأت علمی) در مدت زمانی که به مأموریت آموزشی و بورس و فرصت مطالعاتی عظیم می نمایند مراتب در کمیته موضوع ماده ۱۲۸ آیین نامه پیش گفت مطرح و به شرح ذیل اتخاذ تصمیم گردید: نظر به اینکه برابر اعلام دانشگاهها قبل از ابلاغ آیین نامه اداری و استخدامی جدید در ایام مأموریت آموزشی و بورس و فرصت مطالعاتی پرداخت فوق العاده جذب و فوق العاده مخصوص اعضاء هیأت علمی تمام وقت جغرافیایی با ضریب یک و دو دهم صورت می پذیرفته و به منظور جلوگیری از ایجاد خلل در اجرای ماده ۷۲ آیین نامه اداری و استخدامی (موضوع بهره مندی اعضای هیأت علمی تمام وقت جغرافیایی از مزایای افزایش ضریب ۱/۲ در هنگام بازنشستگی) موافقت گردید. اعضاء هیأت علمی تمام وقت جغرافیایی در دوران استفاده از مأموریت آموزشی و فرصت مطالعاتی و بورسیه کفافی السابق از فوق العاده های جذب و مخصوص با ضریب ۱/۲ بهره مند شوند. لکن پرداخت فوق العاده محرومیت از مطب آنان برابر مفاد تبصره ۲ ماده ۲۱ و ماده ۴۰ آیین نامه پیش گفت مقدور نمی باشد. - وزیر»

(ب) آیین نامه اداری - استخدامی اعضای هیأت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی وابسته:

«ماده ۱۲۸- مسئولیت پاسخگویی به ابهامات و تفاسیر و سؤالات مطروحه در خصوص مفاد این آیین نامه از سوی مؤسسه به عهده کمیته ۳ تا ۵ نفره منتخب از سوی وزیر خواهد بود. این کمیته زیر مجموعه مستقیم وزیر بوده و مجموعه مصوبات و تصمیمات کمیته به منزله مصوبه هیأت امنا تلقی می گردد.»

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به موجب لایحه شماره ۱۷/۷۵۹-۱۳۹۷/۵/۹ توضیح داده است که:

«ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با اهدای سلام

احتراماً در خصوص پرونده کلاسه ۹۷۰۰۳۸۶ موضوع شکایت سازمان بازرسی کل کشور به خواسته ابطال قسمتی از ماده ۱۲۸ آیین نامه اداری استخدامی اعضای هیأت علمی و بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۲۴۴ - ۱۳۹۱/۸/۲۹ وزیر وقت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مراتب ذیل به استحضار می رسد:

۱- سازمان مذکور وفق مفاد دادخواست تقدیمی ادعا نموده با توجه به اینکه وظایف و اختیارات هیأت امنا قائم به شخص بوده و قابل واگذاری به غیر نمی باشد لذا آن قسمت از ماده ۱۲۸ آیین نامه اداری و استخدامی اعضای هیأت علمی که مصوبات کمیته مسئول پاسخگویی به ابهامات و تفاسیر و سؤالات مربوط به آیین نامه را در حکم مصوبه هیأت امنا قرار داده است فاقد وجهت قانونی است. سازمان مذکور همچنین به بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۲۴۴ - ۱۳۹۱/۸/۲۹ وزیر وقت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در خصوص پرداخت فوق العاده جذب و مخصوص به اعضاء هیأت علمی در زمان مأموریت آموزشی و فرصت مطالعاتی به این دلیل که از سوی کمیته ماده ۱۲۸ در این خصوص اتخاذ تصمیم شده است و موضوع خارج از حیطه وظایف کمیته بوده نیز معترض گردیده و درخواست ابطال آن را کرده است.

۲- در ارتباط با شکایت مطروحه لازم به توضیح است، وفق ماده ۱ قانون احکام دائمی توسعه کشور دانشگاهها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فرهنگستانها و پارکهای علم و فناوری که دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی وزارتخانه های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی ذیربط می باشند، بدون رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاههای دولتی به ویژه قانون محاسبات عمومی کشور، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون برگزاری مناقصات و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها و فقط در چهارچوب مصوبات و آیین نامه های مالی، معاملاتی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی مصوب هیأت امنا که حسب مورد به تأیید وزیران علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و در مورد فرهنگستانها به تأیید رئیس جمهور در مورد دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و تحقیقاتی وابسته به نیروهای مسلح به تأیید رئیس ستاد کل نیروهای مسلح می رسد، عمل می کنند. بر این اساس آیین نامه اداری استخدامی اعضای هیأت

علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور با توجه به بند الف ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه و در حال حاضر ماده ۱ قانون احکام دائمی دارای اعتبار می باشد.

۳- برابر ماده ۱۲۸ آیین نامه اداری و استخدامی اعضای هیأت علمی دانشگاهها کمیته ای ۳ تا ۵ نفره جهت پاسخگویی به ابهامات و تفاسیر و سؤالات مطروحه در خصوص مفاد آیین نامه پیش بینی شده است که کمیته مذکور زیر نظر مستقیم وزیر که رئیس هیأت امنا می باشد، فعالیت می نماید. همچنین در ماده فوق اشاره اعلام شده است مصوبات و تصمیمات کمیته به منزله مصوبه هیأت امنا تلقی می گردد.

۴- بنابراین کمیته مذکور به هیچ عنوان در هیچ یک از وظایف هیأت امنا دخالت نداشته، تصمیم جدیدی اتخاذ نمی نماید و هیچ یک از وظایف هیأت امنا نیز به کمیته تفویض نشده است بلکه کمیته صرفاً در مصوبات ابهام و یا نیاز به تفسیر مصوبه ای که به تصویب هیأت امنا رسیده در خصوص رفع ابهام اقدام می کند. ضمناً شاکای نیز دلیل و مستندی دایر بر اینکه وظایف هیأت امنا مندرج در قانون نحوه تشکیل هیأت امنا دانشگاهها و یا سایر ضوابط و مقررات به کمیته تفویض شده باشد ارائه نموده است.

۵ - لازم به توضیح است دیوان عدالت اداری سابقاً وفق دادنامه شماره ۶۴۱-۱۳۹۶/۷/۱۱ هیأت عمومی نسبت به تأیید کمیته ماده ۱۱۸ آیین نامه اداری استخدامی اعضای هیأت علمی (مشابه کمیته ماده ۱۲۸ آیین نامه اداری استخدامی اعضای هیأت علمی) اقدام و اعلام کرده است. مطابق ماده ۱۱۸ آیین نامه اداری و استخدامی کارکنان غیر هیأت علمی مصوب هیأت امنا مسئولیت پاسخگویی به ابهامات و سؤالات مطروحه در خصوص مفاد این آیین نامه بر عهده کمیته ۳ تا ۵ نفره منتخب از سوی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خواهد بود و بر این اساس بخشنامه شماره ۵/۲۲۶۱/۲۰۹ - ۱۳۹۱/۷/۲ مشاور معاونت توسعه و مدیرکل منابع انسانی و پشتیبانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را خارج از حدود اختیارات قانونی اعلام کرده است.

۶ - صرف نظر از مراتب فوق کمیته ماده ۱۲۸ از سال ۱۳۹۲ عملاً غیرفعال بوده و مصوبه ای نداشته و موارد ارجاعی به این کمیته در دستور کار مشترک هیأت امنا دانشگاهها قرار گرفته و پس از تصویب هیأت امنا اجرایی خواهد شد. ضمن اینکه بازنگری آیین نامه اداری و استخدامی اعضای هیأت علمی از جمله ماده ۱۲۸ آیین نامه در دستور کار بازنگری جهت تصویب در هیأت امنا دانشگاهها قرار دارد.

۷- در خصوص نامه شماره ۱۰۰/۱۲۴۴ - ۱۳۹۱/۸/۲۹ وزیر وقت بهداشت و درمان نیز لازم به توضیح است نامه مورد اشاره در راستای اجرای موضوع ماده ۱۲۸ آیین نامه اداری و استخدامی که در حال حاضر و در زمان تنظیم نامه مورد اشاره لازم الاجرا بوده جهت رفع ابهام در ضرایب فوق العاده جذب و فوق العاده مخصوص اعضاء هیأت علمی تمام وقت جغرافیایی و جلوگیری از اختلال در اجرای ماده ۷۲ آیین نامه اقدام کرده است. لذا با توجه به مراتب فوق الذکر رد دعوی صادره از آن مقام مورد تقاضا می باشد.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۱۷ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

نظر به اینکه تصمیم گیری و وضع مقرر در امور استخدامی کارکنان عضو هیأت علمی و غیر هیأت علمی دانشگاه طبق بند (ب) ماده ۲۰ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و نیز ماده ۱ قانون احکام دائمی برنامه های توسعه، بر عهده هیأت امنا دانشگاهها قرار گرفته و در مواد قانونی موصوف تفویض اختیار در این خصوص برای هیأت امنا پیش بینی نشده است، بنابراین ماده ۱۲۸ آیین نامه مصوب هیأت امنا و به تبع آن بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۲۴۴ - ۱۳۹۱/۸/۲۹ وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

شماره ۹۷۰۱۷۴۹

۱۳۹۸/۲/۳۰

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۱۸۹ مورخ ۱۳۹۸/۲/۱۷ با موضوع: «ابطال تعرفه کد شماره ۰۰۲۹ عوارض محلی سال ۱۳۹۲ شورای اسلامی شهر اسدآباد» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۲/۱۷ شماره دادنامه: ۱۸۹ شماره پرونده: ۱۷۴۹/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای احمد کامران مریخ پور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تعرفه کد شماره ۰۰۲۹ عوارض محلی سال ۱۳۹۲

شورای اسلامی شهر اسدآباد

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال تعرفه کد شماره ۰۰۲۹ عوارض

محلی سال ۱۳۹۲ شورای اسلامی شهر اسدآباد در سال ۱۳۹۲ در خصوص عوارض حذف و کسر پارکینگ مسکونی، تجاری و اداری را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام

به استحضار می‌رساند که اینجانب احمد کامران مریخ پور مالک قسمتی از پلاک ثبتی تجمیعی ۱۰۰۹/۱۲ (تجمیع شده پلاکهای ۱۰۰۰/۱۱ و ۱۰۰۹/۱۰ و ۴۷۰/۳ و ۴۶۹/۲ و ۴۶۹/۱) ملک موروثی اینجانب و برادرم علی آقا مریخ پور و املاک ۱۸ نفر همسایگان جمعاً به مساحت ۵۸۳/۸۱ مترمربع از بافت فرسوده و قدیمی شهر اسدآباد اقدام به درخواست احداث مجوز ساختمانی با کاربری تجاری و اداری نمودیم با توجه به شرایط و موقعیت پروژه از نظر ایجاد مشکل برای عبور و مرور و محدودیتهای دیگر، شهرداری با حذف پارکینگ موافقت کردند. در سال ۱۳۹۲ که وضع خرید و فروش املاک علی‌رغم اینکه بهتر از زمان حال بود با برآورد هزینه متوجه شدیم که اگر طبق نظر شهرداری قرار باشد برای هر باب واحد تجاری هزینه یک باب حذف پارکینگ بپردازیم به هیچ وجه احداث این ساختمان مقرون به صرفه نبود لذا موضوع را در جلسات و ملاقاتهای متعدد با شهردار در میان گذاشتیم ایشان نیز پس از مشورت و رایزنی محاسبه عوارض حذف پارکینگ به ازای هر ۵۰ مترمربع فضای تجاری یک واحد موافقت نمودند و پروانه ساختمانی به شماره ۹۲/۲/۰۱/۱۰۵۸۶ - ۱۳۹۲/۲/۲۸ صادر گردید با به کارگیری تمام توان مالی خویشان و فامیل و شرکا و اندوخته‌های چندین ساله و ارث پدری و ... این پروژه در سال ۱۳۹۶ به پایان رسید برای اخذ پایان کار به شهرداری مراجعه کردیم، شهرداری برخلاف دستور کتبی شهردار سابق مجدداً مسئله حذف یک باب پارکینگ به‌ازای یک باب تجاری را مطرح نمود و متعاقباً بدون ابلاغ و اطلاع و حضور ما یا شرکاء موضوع را به کمیسیون ماده ۷۷ برده و با اخذ رأی شماره ۹۶/۲/۰۱/۴۰۹۷ - ۱۳۹۶/۸/۹ مبلغ ۸/۱۴۴/۴۲۸/۸۰۰ ریال بابت عوارض حذف پارکینگ علاوه بر مبالغ دریافتی قبلی (بابت حذف یک باب پارکینگ به ازای هر ۵۰ مترمربع) مطالبه می‌نمایند.

با توجه به اینکه قانونگذار در خصوص عدم رعایت تأمین یا کسر پارکینگ به شرح تبصره ۵ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری اصلاحی سال ۱۳۵۸ تعیین تکلیف کرده است و هیأت عمومی در مصوبه‌های متعدد از جمله مصوبه‌های شماره ۷۷۰ - ۱۳۹۱/۱۰/۱۸، ۱۱۶ - ۱۳۹۲/۲/۲۳، ۱۵۲۹ - ۱۳۹۳/۲/۲۴، ۱۳۵۴ - ۱۳۹۵/۱۲/۱۷، ۴۵۰ - ۱۳۹۶/۵/۱۰ و ۱۰۸۱ - ۱۳۹۶/۱۲/۲۲ در موارد مشابه به لحاظ حکم قانون مذکور، مصوبات مربوط مبنی بر اخذ عوارض به لحاظ کسری یا عدم تأمین پارکینگ

را ابطال کرده است با لحاظ نمودن قانون فوق‌الذکر و تبعیت از استدلال مصرح در آرای یاد شده استدعا می‌گردد که: با توجه به دلایل تقدیمی حکم به ابطال مصوبه عوارض حذف یا کسر پارکینگ با کد عوارض شماره ۰۰۲۹ مصوب سال ۱۳۹۲ شورای اسلامی شهر اسدآباد را صادر فرمایید.»
متن تعرفه مورد اعتراض به قرار زیر است:

کد عوارض	شرح عوارض	مستند قانونی	نحوه وصول عوارض تصویبی و توضیحات
۰۰۲۹	عوارض حذف و کسر پارکینگ	تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۳۸۷ و بند ۱۶ ماده ۷۱ و ماده ۷۷ قانون شوراها	عوارض حذف پارکینگ صرفاً بر اساس دستورالعمل شماره ۲۳۳۱۸/۳/۳۴ - ۱۳۷۱/۷/۲ وزارت کشور و به شرح تعرفه ذیل قابل وصول می‌باشد. الف: واحد مسکونی: واحدهای صنعتی و غیره ۱- هر مترمربع کسری پارکینگ ۷ P - هر مترمربع کسری پارکینگ ۸ P ۲- هر واحد حذف پارکینگ ۱۰ P - هر واحد حذف پارکینگ ۹ P ب: واحدهای تجاری ۱- هر مترمربع کسری پارکینگ ۱۰ P - تبصره: مقدار پارکینگ مورد نیاز واحدهای تجاری، مسکونی و ۳- هر واحد حذف پارکینگ ۱۲ P اداری بر اساس ضوابط فنی شهرسازی خواهد بود. ۴- ج: واحد اداری ۱- هر مترمربع کسر پارکینگ ۱۰ P ۲- هر واحد حذف پارکینگ ۱۲ P

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر اسدآباد به موجب لایحه شماره ۴۶۷/ش - ۱۳۹۷/۷/۱۵ توضیح داده است که:

«ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً در پاسخ به ابلاغیه دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۹۷۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۱۸۹ و با شماره بایگانی ۶۴۶۳۴ مطروحه در آن مرجع موارد ذیل به حضور ایفاد می‌گردد:

۱- با توجه به اینکه محاسبه و صدور پروانه ساختمانی جهت پلاک ۱۰۰۹/۱۲ برای احداث مرکز خرید ایران زمین شهرداران وقت به اشتباه به عنوان تخفیف به جهت جذب سرمایه دستور محاسبه حذف پارکینگ به ازای هر ۵۰ متر یک پارکینگ را صادر و واحدهای شهرسازی و درآمد شهرداری نیز به استناد همین دستورات کتبی عوارض حذف پارکینگ را محاسبه و دریافت نموده‌اند لیکن قبل از صدور پایان کار ساختمانی با استقرار سازمان بازرسی استان همدان در شهرداری اسدآباد و بررسی پرونده ساختمانی پلاک فوق اعلام داشته‌اند که تخفیف اعلام شده در مورد حذف پارکینگ توسط شهرداران وقت اشتباه و خلاف قانون بوده است لذا به محض اطلاع از اشتباه محرز شهرداران وقت شهرداری مطابق نظریه شماره ۷/۹۳/۹۱۹ - ۱۳۹۳/۴/۱۸ اداره کل حقوقی قوه قضاییه که اعلام می‌دارد «چنانچه شهرداری در صدور پروانه ساختمانی یا گواهی پایان کار مرتکب اشتباه شده باشد و وقع اشتباه محرز باشد و یا رعایت اصول شهرسازی و مبنای دیگر که در صدور پروانه ضرورت دارد به هنگام صدور پروانه موردلحاظ قرار نگرفته باشد و به منظور جلوگیری آثار سوء آن ضروری است» از صدور پایان کار خودداری نموده و واحد درآمد عوارض حذف پارکینگ را مجدداً محاسبه و مابه التفاوت آن را به مبلغ ۸/۱۴۴/۴۲۸/۸۰۰ ریال جهت اخذ و وصول مابه‌التفاوت به کمیسیون ماده ۷۷ شهرداری ارجاع که منجر به صدور رأی به شماره ۹۶/۲/۰۱/۴۰۹۷ - ۱۳۹۶/۸/۹ شده است.

۲- بر اساس ضوابط مقررات آخرین طرح تفصیلی شهر اسدآباد مصوب سال ۱۳۸۴ تعداد پارکینگ مورد نیاز برای واحدهای تجاری از قرار ذیل مشخص شده

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال بخش ۱۵ کد ۱۲۰۶ - ۰۱۰۲۰۰۶ از دفترچه عوارض محلی سال ۱۳۹۷ شورای اسلامی اسلامشهر را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«احتراماً، اینجانب امید محمدی در جهت تبیین خواسته به استحضار آن عالی مقام می‌رساند، شورای اسلامی شهر اسلامشهر طی مصوبه‌ای تحت عنوان تعیین و وصول «عوارض نقل و انتقال اراضی و معاملات غیرمنقول و ارزش سرقفلی» تحت عنوان خود ساخته «بهای خدمات ناشی از تغییر مالکیت»، مبادرت به وضع عوارض برای نقل و انتقال املاک نموده است. مطابق مصوبه مذکور عوارض نقل و انتقال و تفکیک اراضی و معاملات غیرمنقول و ارزش سرقفلی به شرح زیر تعیین شده است:

۱. عوارض تغییر مالکیت از هر متر مربع عرصه و اعیان واحدهای مسکونی ۱P٪ با ضریب ۱
۲. عوارض تغییر مالکیت از هر متر مربع عرصه و اعیان واحدهای تجاری و اداری و صنعتی ۱P٪ با ضریب ۱/۵
۳. عوارض تغییر مالکیت از هر متر مربع عرصه و اعیان سایر کاربریها ۱P٪ با ضریب ۵٪

نحوه محاسبه: $k * s * p * 1\%$

این در حالی است که با استناد به دلایل ذیل این مصوبه مغایر قوانین و مقررات می‌باشد:

- ۱- ممنوعیت برقراری عوارض به درآمدهای مأخذ محاسبه مالیات توسط شوراهای (ممنوعیت جمع مالیات و عوارض)

نظر به این که در ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷، برقراری عوارض بر درآمدهای مأخذ محاسبه مالیات ممنوع اعلام شده و در قانون مالیات‌های مستقیم از جمله مواد ۵۹ و ۵۲ برای نقل و انتقال قطعی املاک و واگذاری حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی بر املاک مالیات تعیین شده است، بنابراین مصوبه شورای اسلامی شهر اسلامشهر در تعیین عوارض بر معامله املاک، مستغلات، مستحقات و سرقفلی یا به قول خودشان بهای خدمات ناشی از تغییر مالکیت، مغایر قانون می‌باشد. در ماده ۵ قانون تجمیع عوارض نیز تصریح شده بود که «برقراری هرگونه عوارض و سایر وجوه برای انواع کالاهای وارداتی و کالاهای تولیدی و ... همچنین برقراری عوارض به درآمدهای مأخذ محاسبه مالیات، ... توسط شوراهای اسلامی و سایر مراجع ممنوع می‌باشد». از این رو مطابق مواد فوق شوراهای اسلامی و سایر مراجع اجازه ندارند نسبت به مواردی که برای آن‌ها پیش‌بینی اخذ مالیات شده است، اقدام به وضع عوارض نمایند. ماده ۵۲ قانون مالیات‌های مستقیم نیز که تحت عنوان مالیات بر درآمد املاک آمده، مقرر می‌دارد: «درآمد شخص حقیقی یا حقوقی ناشی از واگذاری حقوق خود نسبت به املاک واقع در ایران پس از کسر معافیت‌های مقرر در این قانون مشمول مالیات بر درآمد املاک می‌باشد». به علاوه ماده ۵۹ قانون مذکور (اصلاحی ۱۳۸۰) بیان می‌نماید، «نقل و انتقال قطعی املاک به مأخذ ارزش معاملاتی و به نرخ پنج درصد (۵٪) و همچنین انتقال حق واگذاری محل به مأخذ وجوه دریافتی مالک یا صاحب حق و به نرخ دو درصد (۲٪) در تاریخ انتقال از طرف مالکان عین یا صاحبان حق، مشمول مالیات می‌باشد...» و تبصره ۲ اخیرالذکر حق واگذاری محل از نظر آن قانون راحق سرقفلی یا حق تصرف محل با حقوق ناشی از موقعیت تجاری محل دانسته است. بر این اساس و به استناد مطالب فوق اخذ «مالیات» با «عوارض»، در اصل در یک امر واحد قابل جمع نیستند.

۲- آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری (رویه قضایی) = ماده ۹۲ قانون دیوان عدالت اداری)

در دادنامه شماره ۷۹۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مصوبه‌ای مشابه از شورای شهر رشت را با شکایت سازمان بازرسی کل کشور باطل نموده این در حالی است در آن رأی صراحتاً اعلام شده بود که اخذ چنین عوارضی از نقل و انتقال اراضی اشخاص مغایر صریح قانون است. در جدول ذیل می‌توان آراء مرتبط دیگر را در این رابطه با همین مضمون و به نحو مختصر مشاهده نمود. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در آراء متعددی به صراحت، اصل موضوع مصوب شورای اسلامی شهر اسلامشهر

است: هر واحد فروش تا ۲۵ مترمربع سطح تجاری ۲ واحد پارکینگ، از ۲۵ مترمربع و بیشتر هر ۲۵ متر اضافی یک واحد پارکینگ لازم دارد، حال اینکه در محاسبه عوارض حذف پارکینگ پرونده مذکور تجاری ملاک عمل بر مبنای هر واحد مستقل تجاری نبوده است بلکه به‌صورت کلی به ازای هر ۵۰ مترمربع سطح تجاری یک واحد پارکینگ لحاظ شده است. علاوه بر این هر واحد پارکینگ طبق ضوابط ۲۵ مترمربع باید مساحت داشته باشد و مبنای محاسبه عوارض قرار گیرد حال اینکه در محاسبه عوارض پرونده مذکور مترها هر واحد پارکینگ ۱۲/۵ مترمربع در نظر گرفته شده بوده که تخلف است.

۳- مصوبه تعرفه عوارض محلی با کد ۰۰۲۹ محاسبه حذف پارکینگ مسکونی، تجاری، اداری می‌باشد که این مصوبه در زمان خود قانونی و مورد تأیید شورای شهر و استانداری بوده است که می‌باید به ازای هر ۲۵ متر یک واحد پارکینگ محاسبه گردد که به اشتباه ۵۰ متر محاسبه شده بوده که بعد از اصلاح مقرر شده است مابه‌التفاوت به مبلغ ۸/۸۱۴/۰۰۰/۰۰۰ به استناد قرارداد شماره ۹۷/۲/۰۱/۱۱۴۸ به حساب شهرداری واریز نماید و پایان کار مذکور بر اساس قانون صادر شده است. لذا با توجه به اصلاح موارد استنادی مطابق قانون موضوع شهرداری و شورای اسلامی شهر و مستند به ایراد سازمان بازرسی استان همدان مستدعی است حکم بر بی‌حقی و رد شکایت شاکی را معمول فرماید.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۱۷ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه در آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض برای کسری، حذف یا عدم تأمین پارکینگ در مصوبات شوراهای اسلامی شهرها مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال شده است، بنابراین کد ۰۰۲۹ تحت عنوان عوارض حذف و کسر پارکینگ از تعرفه شهرداری اسدآباد مصوب شورای اسلامی شهر اسدآباد در سال ۱۳۹۲ به دلایل مندرج در رأی شماره ۹۷ الی ۱۰۰ - ۱۳۹۲/۲/۱۶ و رأی شماره ۵۷۳ - ۱۳۹۶/۶/۱۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

شماره ۹۷۰۱۴۸۵

۱۳۹۸/۲/۳۰

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۲۰۱۹۸ مورخ ۱۳۹۸/۲/۱۷ با موضوع: «ابطال ردیف ۱۵ کد ۱۲۰۶ - ۰۱۰۲۰۰۶ دفترچه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۷ شورای اسلامی شهر اسلامشهر» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۲/۱۷ شماره دادنامه: ۱۹۸ شماره پرونده: ۱۴۸۵/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای امید محمدی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخش ۱۵ کد ۱۲۰۶ - ۰۱۰۲۰۰۶ از دفترچه

عوارض محلی سال ۱۳۹۷ شورای اسلامی اسلامشهر

اسلامشهر در خصوص «بهای خدمات ناشی از تغییر مالکیت» و «عوارض نقل و انتقال و معاملات غیرمنقول و ارزش سرقفلی» با قانون مالیات بر ارزش افزوده مغایرت دارد. وضع عوارض توسط شورای اسلامی شهر اسلامشهر در تجویز اخذ عوارض مذکور خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات آن شورا می‌باشد، لذا مستنداً به مواد ۱۳، بند ۱ ماده ۱۲، ۸۸ و ۹۲ قانون دیوان عدالت اداری سال ۱۳۹۲ استدعای ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر اسلامشهر و جلوگیری از اخذ عوارض غیرقانونی شهرداری اسلامشهر از زمان تصویب و خارج از نوبت را دارم.»

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

«در اجرای تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده، عوارض پیشنهادی شهرداری جهت تصویب اعلام می‌گردد.»

ردیف	کد	شرح	بهای خدمات ناشی از تغییر مالکیت	مستند قانونی	توضیحات
۱۵	۱۲۰۶-۰۱۰۲۰۰۶	بهای خدمات ناشی از تغییر مالکیت	از هر مترمربع عرصه و اعیان واحدهای مسکونی $1 P$ ٪	بند ۱۶ ماده ۸۰ و ماده ۸۵ قانون موسوم به شوراها و تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده	$k \times p$ = عوارض بر معاملات غیرمنقول (۱) نماد p عبارت است از آخرین ارزش معاملاتی ساختمان (عرصه و اعیان) موضوع ماده ۶۴ قانون مالیاتهای مستقیم (۲) نماد k عبارتست از ضریب ثابت
			با ضریب ۱		
			از هر مترمربع عرصه و اعیان واحدهای تجاری و اداری و صنعتی $1 P$ ٪ با ضریب ۱/۵		
			از هر مترمربع سایر کاربریها $1 P$ ٪ با ضریب ۰/۵		
			نحوه محاسبه $1 P \times k \times p$		

رئیس دیوان عدالت اداری رسیدگی به موضوع را در اجرای ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ به هیأت عمومی ارجاع کرد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۱۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان و نیز با حضور نماینده معرفی شده از طرف شکایت تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

مطابق ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ مقرر شده است که: «چنانچه مصوبه‌ای در هیأت عمومی ابطال شود، رعایت مفاد رأی هیأت عمومی در مصوبات بعدی الزامی است. هرگاه مراجع مربوط مصوبه جدیدی مغایر رأی هیأت عمومی تصویب کنند، رئیس دیوان موضوع را خارج از نوبت، بدون رعایت مفاد ماده ۸۳ قانون مذکور و فقط با دعوت نماینده مرجع تصویب‌کننده در هیأت عمومی مطرح می‌نماید.» نظر به اینکه در آراء شماره ۴۶۹ - ۱۳۹۳/۱۱/۲۳، ۵۳۱ - ۱۳۹۳/۶/۱۷ و ۷۹۹ - ۱۳۹۱/۱۱/۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مصوبات تعدادی از شوراهای اسلامی شهرهای کشور مبنی بر دریافت عوارض نقل و انتقال اراضی و معاملات غیرمنقول و ارزش سرقفلی به لحاظ مغایرت با قانون و خروج از حدود اختیارات ابطال شده است و شورای اسلامی شهر اسلامشهر در تصویب ردیف ۱۵ کد ۱۲۰۶ - ۰۱۰۲۰۰۶ دفترچه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۷ بهای خدمات ناشی از تغییر مالکیت وضع کرده است، بنابراین ردیف ۱۵ از تعرفه عوارض یاد شده به لحاظ مغایرت با آراء هیأت عمومی با استناد به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود. با اعمال ماده ۱۳ قانون یاد شده و عطف اثر ابطال به تاریخ تصویب تعرفه مورد شکایت موافقت نشد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

جهت وضع و تعیین عوارض سالانه را غیرقانونی و مورد ابطال قرار داده است. لیکن علی‌رغم اعلان آرای مذکور در روزنامه رسمی یا حتی اعلام مستقیم آن توسط اشخاص به آن شورا، تأثیری در روند نادرست آن شورا نداشته و مرجع مذکور با بی‌اعتنایی نسبت به اصل موضوع ابطالی توسط هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، موجبات دور زدن قوانین و آرای آن دیوان را فراهم می‌نماید.

رأی هیأت عمومی به شماره ۸۹۲ به تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۴: نظر به اینکه در تبصره ۱ ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب سال ۱۳۸۱، برقراری عوارض بر درآمدهای مأخذ محاسبه مالیات ممنوع اعلام شده است و در قانون مالیاتهای مستقیم از جمله مواد ۵۹ و ۵۲ برای نقل و انتقال قطعی املاک و واگذاری حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی بر املاک مالیات تعیین شده است، بنابراین ماده ۲ شیوه محاسبه عوارض محلی عمومی مصوب سال ۱۳۸۳ وزارت کشور در تعیین عوارض بر معاملات غیرمنقول (زمین و ساختمان) مغایر قانون تشخیص و به‌استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، حکم به ابطال آن صادر می‌شود. با اعمال ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ و تسری ابطال مصوبه به زمان تصویب موافقت نشد.

ابطالی‌های عوارض بر معامله املاک، مستغلات، مستحدثات و سرقفلی یا بهای خدمات ناشی از تغییر مالکیت در آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در بخش ضمیمه آمده است.

با توجه به این که دیوان عدالت اداری در آرای مشابه اخذ چنین وجوهی از نقل و انتقال اراضی اشخاص در شهرهای دیگر را خلاف قانون قلمداد کرده و به استناد ماده ۳۰۱ که مقرر می‌دارد: «کسی که عمداً یا اشتباهاً چیزی را که مستحق نبوده است دریافت کند ملزم است که آن را به مالک تسلیم کند.» و ماده ۳۰۲ قانون مذکور که اشعار می‌دارد: «اگر کسی که اشتباهاً خود را مدیون می‌دانست آن دین را تأدیه کند حق دارد از کسی که آن را بدون حق، اخذ کرده است استرداد نماید.» همچنین ماده ۳۰۳ در این رابطه تصریح دارد که: «کسی که مالی را من غیرحق، دریافت کرده است ضامن عین و منافع آن است اعم از این که به عدم استحقاق خود عالم باشد یا جاهل.» شهرداری اسلامشهر نسبت به اخذ چنین مبالغی از نقل و انتقال املاک و سرقفلی مبادرت می‌ورزد باید توجه داشت که آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر این است که شهرداری‌ها اخذ چنین مبالغی را غیرقانونی ندانسته و در عبارات آن‌ها نیز بیم تجری نسبت به شهروندان مبنی بر اخذ مبالغ غیرقانونی مشاهده می‌گردد؛ چرا که با عنایت به آرای ذکر شده از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر غیرقانونی بودن اخذ عوارض نقل و انتقال املاک (مغایر قانون مالیات بر ارزش افزوده) اخذ وجوه مذکور بر خلاف ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت نیز می‌باشد. در این قانون دریافت هرگونه وجه، کالا و یا خدمات تحت هر عنوان از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط نهادهای عمومی غیردولتی غیر از مواردی که در مقررات قانونی مربوط معین شده یا می‌شود ممنوع شده و از آن‌جا که اخذ وجوهی به عنوان عوارض نقل و انتقال املاک و سرقفلی خلاف قانون مالیات بر ارزش افزوده دانسته شده لذا هیچ توجیهی برای اخذ این وجوه پذیرفته نیست. اصل عدالت و قبح ترجیح بلامرجح و حفظ حقوق شهروندی نیز اقتضای می‌کند وقتی اخذ عوارضی از شهروندان بخشی از این سرزمین که در مغایرت با قانون شناخته شده نمی‌توان اخذ همان وجه را از مردمان شهروندان دیگر جایز و قانونی قلمداد کرد چرا که این امر با اصل ۲۰ و بند ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی مبنی بر یکسانی افراد در برابر قانون، مغایر است.

لذا به منظور پیشگیری از این امر تقاضای اعمال ماده ۹۲ قانون دیوان عدالت اداری سال ۱۳۹۲ که مقرر می‌دارد:

«چنانچه مصوبه‌ای در هیأت عمومی ابطال شود، رعایت مفاد رأی هیأت عمومی در مصوبات بعدی، الزامی است. هرگاه مراجع مربوط، مصوبه جدیدی مغایر رأی هیأت عمومی تصویب کنند، رئیس دیوان موضوع را خارج از نوبت بدون رعایت مفاد ماده (۸۳) این قانون و فقط با دعوت نماینده مرجع تصویب‌کننده، در هیأت عمومی مطرح می‌نماید.» را از آن مقام دارم. بنا به مراتب و نظر به این که مصوبه شورای اسلامی شهر